

چالش‌های تروریسم نوین از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه

علی کیانی زاده^۱

مهدی وثوق^۲

فاطمه بیرجندی^۳

زهره قاسمی^۴

چکیده

حقوق بین‌الملل بشردوستانه را می‌توان مجموعه قواعدی دانست که درصدد کاستن از رنج و آلام انسان‌ها در هنگام خصومت‌های نظامی و غیرنظامی است. بدین معنا که طرف‌های درگیر، آسیب‌دیدگان، مجروحان جنگی، مبارزه مشروع نظامیان، و قاعده‌مند بودن رفتار نظامیان در طول جنگ‌ها می‌بایست تابع قواعد و قانونی باشد که عدول هرکدام از موارد مذکور شناسایی و با آن مقابله شود. تروریسم و مخصوصاً تروریسم نوین یکی از پدیده‌های اجتماعی است که قواعد بین‌المللی بشردوستانه را با دشواری‌هایی روبرو ساخته است. از این جهت که شناسایی عاملان، دولت‌های درگیر، حامیان و قواعد حاکم بر تخاصم را بسیار سخت کرده است. به هر حال حقوق بین‌الملل بشردوستانه با گسترش مجموعه قواعد و قوانین خود در مبارزه با تروریسم همچنان بر اصول خود مبنی بر کاستن از مصائب ناشی از جنگ‌ها و تخاصمات منطقه‌ای و بین‌المللی مصمم است. هدف مقاله حاضر نیز بررسی چالش‌های تروریسم نوین از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. ضرورت بحث از آن رو است که شکل‌گیری تروریسم نوین بر دامنه قواعد و پیچیدگی مقابله با خشونت‌های بین‌المللی افزوده است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تروریسم، جنگ، تروریسم نوین، خشونت‌های بین-

المللی

۱. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق، akiani136115@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق، mehdeivosough1358@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی، birjandifateme@yahoo.com

۴. گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دکترا، z.ghasemi1986@yahoo.com

مقدمه

جنگ^۱، خشونت^۲ و نزاع از جمله واقعیت‌های تاریخی هستند که در هر دوره‌ای مشاهده می‌شوند، به طوری که می‌توان ریشه جنگ‌ها را مربوط به زمانی دانست که انسان‌ها زندگی اجتماعی را شروع کردند. از این منظر باید گفت حل و فصل این جنگ‌ها نیز یکی از ضرورت‌های اساسی به شمار می‌رود. به گونه‌ای که بخش اعظمی از تاریخ بشر را نیز «صلح^۳» تشکیل می‌دهد. به همین ترتیب همان گونه که تلاش‌ها برای جنگ و خشونت بخشی از واقعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، صلح و برقراری روابط مسالمت‌آمیز نیز بخش دیگری از آن را دربر می‌گیرند. در همین راستا و در عصر مدرن و با فرا رسیدن جنگ‌های جهانی تلاش‌ها برای ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی جهت حمایت از آسیب دیدگان، مجروحان و اسرای جنگی نیز شکل جدی تری به خود گرفت. کمیته بین المللی صلیب سرخ و کنوانسیون ژنو از جمله مهم‌ترین نهادهای فرادولتی برای حل معضلات پس از جنگ‌ها به شمار می‌روند. بدین ترتیب در کنار مسائلی مانند حقوق بشر، حقوق بین المللی بشردوستانه نیز شکل گرفت که هدف اصلی آن، کمک به آسیب دیدگان و خسارت دیدگان جنگی بوده است.

امروزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ترویج اصول و شرایط آن به صورت یک جنبش فراگیر توسط دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و همچنین سازمان‌های معتبر بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد دنبال می‌شود. پایبندی و رعایت کردن حقوق بین الملل بشردوستانه که معطوف به شرایط صلح و حمایت از رنج‌دیدگان جنگی است، مستلزم همکاری‌های منطقه‌ای میان بازیگران دولتی و غیردولتی است. این امر نه تنها نیازمند پایان بخشیدن به تخاصم و جنگ علیه غیرنظامیان است، که شامل حمایت‌های گسترده از کسانی است که در جنگ مشارکت ندارند و می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرند. به هر حال، حقوق بین الملل بشردوستانه با موانعی همچون عدم همکاری دولت‌های درگیر در جنگ، عدم شفافیت قوانین صلح و کمک‌رسانی، وجود بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در جنگ‌ها و از همه مهم تر پدیده نوینی با عنوان «تروریسم^۴» مواجه است. تروریسم نوین که با گذر از تروریسم سنتی و با تکیه بر ابزارهای نوین، شکل خشن تر و پیچیده تری از کشتار جمعی را پدید آورده است که به دلیل گسترده بودن آن در جوامع مختلف، دشواری جدیدی برای حقوق بین الملل بشردوستانه پدید آورده است.

در همین راستا پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد که تروریسم نوین چیست و چگونه معضلات جدیدی برای حقوق بین الملل بشردوستانه پدید آورده است؟ فرضیه نوشتار این

-
1. War
 2. Violence
 3. Peace
 4. terrorism

است که تروریسم نوین با ابعاد پیچیده خود حقوق بین الملل بشردوستانه را با چالش گسترده‌ای مواجه کرده است. ساختار پژوهش حاضر بدین ترتیب است که ابتدا روش تحقیق بیان می شود، سپس تعریفی از تروریسم و تروریسم نوین بیان می شود، پس از آن به حقوق بین الملل بشردوستانه پرداخته می شود. در نهایت به ابعاد تروریسم نوین از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه پرداخته می شود و در پایان نتیجه گیری ارائه می شود.

روش تحقیق

برای تحلیل مطالعات اجتماعی و نظریه‌های موجود در علوم سیاسی می توان از روش‌های کیفی بهره برد. اساساً روش‌های کیفی در جایی مناسب هستند که نقش متغیرهای گوناگون در شکل گیری یک پدیده مؤثر هستند و از این رو نمی توان با بررسی داده های تجربی و فروکاستن پدیده های انسانی و اجتماعی به اعداد و کمیت، از جنبه های کیفی پدیده ها دوری جست. ضمن اینکه پدیده های اجتماعی دارای عناصر پیچیده و درهم رفته ای هستند که نمی توان همانند پدیده های تجربی از منظر تناظر نعل به نعل با آنان روبرو شد. این روش ها در جایی به کار می روند که هدف محقق توضیح و تفسیر رفتارها و متغیرهایی است که به نوعی بر تحقیق وی اثر می گذارند. به همین منظور، پژوهش حاضر سعی می کند با روش توصیفی-تحلیلی به آن دسته از متون و منابعی بپردازد که بتواند چالش های تروریسم نوین را از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه توضیح دهد. در همین راستا، ابزار گردآوری داده ها، فیش برداری از منابع و متونی است که به این مسأله به انحاء گوناگون پرداخته اند. ضمن اینکه محقق سعی می کند به بررسی این متون به نتیجه ای جدید و بدیع دست یابد که بتواند رفتارهای متغیرها را به شکل بهتری توضیح دهد. بنابراین روش پژوهش حاضر نوعی روش کتابخانه ای است که در نهایت به بررسی اسناد، منابع و متون نگاشته شده نظر می افکند.

حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بین المللی بشردوستانه^۱ به عنوان شاخه دیگری از حقوق بین الملل است که شامل مجموعه قواعدی در حمایت از قربانیان در موقع جنگ است. نقض قواعد این شاخه از حقوق، هم باعث ایجاد مسؤولیت کیفری و هم مسؤولیت غیرکیفری می شود. مسؤولیت کیفری برای افرادی که قواعد مربوط به این شاخه از حقوق را نقض می کنند و مسؤولیت غیرکیفری برای دولتی که اقدامات ناقض قواعد حقوق بشردوستانه به آنها قابل انتساب است. مسؤولیت فردی جنبه کیفری دارد و در شاخه حقوق بین الملل از آن بحث می شود، ولی مسؤولیت دولت (به رغم تلاش های کمیسیون حقوق بین الملل در تهیه ماده ۱۹ طرح پیش نویس سابق در سال ۱۹۷۶)، جنبه غیرکیفری دارد و در شاخه حقوق مسؤولیت بین المللی دولت ها بررسی می شود (شمسایی و سلیمانی ترکمانی، ۱۳۸۷: ۱۸۱-۱۸۲).

1. International humanitarian law (IHL)

۱۸۰). به هر جهت حقوق بین الملل بشردوستانه جنبه ای از معاهدات بین المللی را شامل می شود که ناظر بر بررسی وضعیت آسیب دیدگان و مجروحان جنگی است. رعایت حفظ حقوق اسرا، جلوگیری از کشتار غیرنظامیان و کمک به خسارت دیدگان جنگی در زمره وظایف کلی حقوق بین الملل بشردوستانه محسوب می شود.

اما حقوق بشردوستانه به عنوان بخشی از حقوق قابل اعمال بر درگیری های مسلحانه، مجموعه ای متشکل از حقوق لاهه، ژنو و نیویورک است. با این که ابتدا حقوق مربوط به انجام مخاصمات (موسوم به حقوق لاهه) در یک سلسله از معاهدات در سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ پیش بینی شد، حقوق حمایت از قربانیان (موسوم به حقوق ژنو) به صورت مستقل و مجزا در کنوانسیون های متعدد ژنو تکوین یافت و این که این دو شاخه بعدها در چارچوب پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ به همدیگر پیوند یافته تا یک مجموعه حقوقی واحد را تشکیل دهند. حقوق ژنو مبتنی بر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ است. در کنار این دو مجموعه حقوقی، حقوق نیویورک یعنی قواعد حمایتی برگرفته از تصمیمات ملل متحد را نیز باید در نظر داشت. در هر حال این سه مجموعه به ظاهر مجزا، مجموعه همگونی به نام حقوق بشردوستانه را تشکیل می دهند که اساسی ترین هدف آن پیگیری انسانی کردن درگیری های مسلحانه است. به گونه ای که اولویت بشردوستی در عنوان این حقوق نیز به خوبی متجلی است (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۲). در کنوانسیون های چهارگانه ژنو شرایط و نحوه کمک رسانی در فعالیت های بشردوستانه و انسانی مورد توجه ویژه قرار گرفته و با توجه به تغییر شرایط سیاسی و بین المللی در سال های بعد، دو پروتکل الحاقی نیز بدان اضافه شد که روی هم رفته مجموعه قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را تشکیل می دهند.

ماده یک کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ ضامن اجرای تعهدات در مخاصمات بین المللی و داخلی کشورها می باشد. ماده مورد بحث در پی اجرا و تضمین اجرای حقوق بشردوستانه در وضعیت های مختلف مخاصمات اعزاز بین المللی و غیر بین المللی است و امروزه به عنوان تعهدی بنیادین با منبعی معاهداتی و عرفی بر تارک موازین حقوق بشردوستانه می درخشد و به دولت های غیردرگیر در یک مخاصمه اجازه می دهد از اطراف درگیر درمنزاعه مسلحانه بخواهند تا به تعهدات خود در خصوص اجرا و تضمین اجرای مقررات حقوق بشردوستانه پایبند باشند. موازین آن در زمان صلح نیز جلوه گر می شود و از جمله در قالب آموزش نظامیان و غیرنظامیان و همچنین قانونگذاری در عرصه اجرای بهتر قوانین مربوط به آموزش، جرم انگاری جرایم مرتبط با مخاصمات و جبران خسارت از زبان دیدگان مخاصمات مزبور خود را عیان می سازد (باقرزاده و رنجبریان، ۱۳۹۴: ۱۴). بدین ترتیب حقوق بین الملل بشردوستانه به عنوان یکی از شاخه های حقوق بین الملل عمومی جایگاه خاصی در حل مسالمت آمیز مخاصمات بین المللی و داخلی کشورها دارد. عمده توجه قواعد بشردوستانه متوجه حمایت از افراد در جنگ یا هر نوع برخورد مسلحانه دیگر است. امروزه حقوق و

قواعد بشردوستانه را بسیاری از نهادهای سازمان ملل متحد، کمیته صلیب سرخ بین المللی و گروه های ویژه متخصص تنظیم کرده اند، به طوری که تعدادی از قطعنامه های پذیرفته شده مرتبط با حقوق بشر دوستانه در جنگ در سازمان ملل متحد نشأت گرفته از قطعنامه های کمیته صلیب سرخ بین المللی است. همچنین کمیته صلیب سرخ جهانی سهم بسزایی در آماده سازی کنوانسیون تسلیحات متعارف و انتقال آن به سازمان ملل متحد داشته است (بیژن و نیری، ۱۳۹۰: ۹۴). به طور خاص، ورود متعدد کمیته صلیب سرخ جهانی در جنگ های منطقه ای و بین المللی در سراسر جهان نشان می دهد که حقوق بین الملل بشردوستانه یکی از ضرورت های دوران معاصر است. ضمن این که حقوق بین الملل بشردوستانه تنها بر عهده سازمان ها و نهادهای بین المللی نیست. برای مثال رفتارهای مسالمت آمیز رهبران سیاسی درگیر در یک جنگ را نیز می توان در زمره اعمال حقوق بشردوستانه مطرح کرد.

در نهایت باید اشاره شود که حقوق بین الملل بشردوستانه بر مبنای ایده قربانیان منازعات مسلحانه بنیان نهاده شده و از مصدومان این منازعات حمایت می کند. این حمایت معمولاً برحسب صدمه، مرگ، مالکیت، آسیب یا تخریب چارچوب بندی شده است. بنابراین اصول اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه تصریح می کند که منازعات مسلحانه وقتی اتفاق می افتد که یک گروه اقداماتی انجام دهد که سبب صدمه کشتار، آسیب یا تخریب شود (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۳). به هر حال حقوق بین الملل بشردوستانه چه از طرف دولتی خاص و چه از طرف سازمان ها و نهادهای بین المللی انجام شود، ناظر بر شرایط «صلح» و «سازش» است. امروزه با گسترش تروریسم و پیچیده تر شدن شرایط برای حل منازعات بین المللی و منطقه ای، حقوق بین الملل بشردوستانه بیش از پیش مورد توجه است. با این حال، پیچیده بودن گونه های تروریستی نوین بر نحوه و اجرای کمک ها از سوی سازمان ها و نهادهای مرتبط با حقوق بین الملل بشردوستانه افزوده است.

تروریسم چیست؟

واژه تروریسم از ریشه لاتین *Ters* و در عربی معادل کلمه ازعاب به معنای ایجاد ترس و رعب و وحشت می باشد. تروریسم موضوع جدیدی نبوده و به مثابه یک پدیده اجتماعی همواره وجود داشته و رفتارهای متعلق به آن از قدمت طولانی در تاریخ برخوردار بوده ولی سبک و سیاق آن تفاوت پیدا نموده است. تروریسم به گونه های متفاوت تقسیم می شوند مانند تروریسم جنایی، تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم قومی، تروریسم سیاسی، تروریسم سایبری، تروریسم دولتی و تروریسم بین المللی (ساجدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). عمل تروریسم در ابتدا معطوف به اهداف و منافع فردی بود و با گذر زمان و دسترسی به سلاح های گسترده، ابعاد پیچیده تری به خود گرفت و امروزه نیز به عنوان یکی از خطرات جمعی و تهدیدی برای دولت ها و نظام بین الملل مطرح می شود. تا به حال، هیچ تعریفی جامع و مانع درباره تروریسم ارائه نشده است که محققان و متخصصان و صاحب نظران این حوزه، روی

آن توافق داشته باشند. در نتیجه در تعریف تروریسم وحدت نظری وجود ندارند. اما صاحب‌نظران در مورد یک ویژگی آن اتفاق نظر دارند و آن هم این است که تروریسم همیشه با خشونت و یا تهدید به خشونت همراه است. با این حال، تلاش‌هایی در خصوص تعریف این پدیده انجام نشده است (فیرچی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

اهداف و ابعاد تروریسم بسیار پیچیده و ناهمگون است و همین مسأله یکی از دشواری‌های تحلیل و بررسی آن است. اما به هر جهت، هرگونه فعالیتی که با خشونت و یا تهدید به آن همراه باشد، یک نوع رفتار تروریستی محسوب می‌شود. بر این اساس، تروریسم شامل فعالیت‌هایی چون آدم‌کشی، بمب‌گذاری، کشتار بی‌هدف، هواپیماربایی، گروگانگیری و آدم‌ربایی می‌شود. البته این موارد از جمله مصادیق عام فعالیت تروریستی به شمار می‌روند و در بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر می‌توان مصادیق، ابعاد و امواج متنوع و متفاوتی از تروریسم را بازشناسی کرد (پورسعید، ۱۳۸۵: ۱۳۴). به هر ترتیب، تروریسم یکی از اساسی‌ترین چالش‌های دولت‌ها در اوایل قرن ۲۱ است. امروزه تروریسم در همه جوامع و مناطق رخ می‌دهد و حتی می‌توان آن را بزرگترین تهدید خشونت‌آمیز جهانی معرفی کرد. از آن جهت که تهدید مشترک همه ملت‌هاست. تروریسم دیگر محدود به منطقه یا ملتی خاص نیست، بلکه این پدیده، امنیت ملی همه کشورها را به خطر انداخته است. هزینه‌ها و تلفات ناشی از تروریسم روز به روز در حال افزایش است (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۶). علاوه بر تروریسم در سطح دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، تروریسم منطقه‌ای در مناطقی مانند خاورمیانه به وفور پیدا می‌شود هرروزه شاهد تلفات و خشونت‌های دهشتناکی از سوی گروه‌های تروریستی هستیم.

تروریسم نیز همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دارای محرک و انگیزه‌های خاصی برای عوامل انجام دهنده آن است. بدین معنا که هر عمل یا حادثه تروریستی بر اساس هدف خاصی انجام می‌شود. به طوری که اهداف آن طیف متعددی از انگیزه‌های مذهبی، اهداف و منافع اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شود. اول آن که، انگیزه یا محرک اغلب جریان‌ها و کنش‌های تروریستی، دستیابی به اهداف سیاسی یا بعضاً ایدئولوژیک و مذهبی است. یعنی تروریست‌ها خواستار تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها هستند. در بسیاری موارد، انگیزه اصلی آن‌ها توجه دادن قدرت‌های سیاسی یا دولت‌ها به ناعدالتی‌های موجود است. از این‌رو، گروه‌های تروریستی غالباً مسئولیت اقدامات خود را به عهده می‌گیرند. این ویژگی موجب تمایز تروریسم از اقدامات نظامی و جنگ‌های چریکی و همچنین اقدامات جنایی صرف و جنایات سازمان‌یافته می‌شود.

دوم آن که، هدف اصلی کنش تروریستی، ارعاب سوژه مورد نظر است نه لزوماً حذف فیزیکی. مطابق این ویژگی، تروریسم به مثابه جریان از عمل ترور یا قتل غافل‌گیرانه تمیز داده می‌شود. به بیان دیگر، در تروریسم، قتل یا وحشت‌آفرینی لزوماً معطوف به مقتول یا جمعیت مورد تعدی نیست، بلکه گروه تروریستی در پی آن است تا با تعرض و تعدی به جمع یا هدفی کوچک، جمعیت و جامعه

بزرگ تری را با هراس مواجه کند تا به اهداف خود دست یابد. در نهایت، هدف اصلی کنش تروریستی یعنی ارباب، موجب می‌شود هر رویداد تروریستی سه طرف یا بازیگر درگیر داشته باشد که عبارتند از گروه تروریستی، قربانیان و طرف سوم یا اکثریت جامعه که هدف غالباً ترساندن یا جلب حمایت آن است (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۴۸). به نظر می‌رسد تروریسم همانند سایر پدیده های اجتماعی دچار تغییرات گسترده ای شده است. به طوری که گسترش تکنولوژی های ارتباطی و بهره گیری گروه های تروریستی از این پدیده ها بر دامنه پیچیدگی تروریسم افزوده است و آن را به یکی از تهدیدات جهانی در قرن معاصر تبدیل کرده است. به همین دلیل، تروریسم جدید را به دلیل ماهیت متفاوت آن با تروریسم سنتی و مدرن، تروریسم پسامدرن نیز می‌نامند.

تروریسم نوین (پسامدرن)

تحولات یازده سپتامبر نقطه عطفی در تحول مفهوم تروریسم محسوب می‌شود. به طوری که با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر، مسأله تروریسم و چگونگی مبارزه با آن به یکی از مهم ترین پارادایم های تجزیه و تحلیل مسائل روابط بین الملل و سیاست جهانی تبدیل شده است. در واقع با ورود فضای خشونت و تهدید در ادبیات روابط بین الملل، نوعی جنگ سرد جدید مبتنی بر تضاد فرهنگ ها و برداشت ها میان جوامع غربی و اسلامی شکل گرفته است. از این لحاظ فضای جدید جهان بعد از وقایع سپتامبر امنیتی تر و سیاسی تر شده است. محور تجزیه و تحلیل مسائل جهانی نیز منطقه خاورمیانه است که از آن به عنوان مرز شکل گیری تروریسم القاعده ای (جهانی) یاد می‌شود (بزرگر، ۱۳۸۶: ۵۹). تروریسم نوین به دلیل فرامکانی بودنش بسیار ناشناخته می‌ماند. به طوری که گروه مزبور در یک منطقه از جهان طراحی عملیات را بر عهده می‌گیرد، اما در فرسنگ ها دورتر عمل تروریستی به وقوع می‌پیوندد. نمونه بارز این مسأله فعالیت های تروریستی داعش و القاعده است که فعالیت های تروریستی خود را در قلب اروپا انجام می‌دهند.

بدیهی است که امکان وقوع چنین حوادثی توسط گروه های تروریستی در دوران معاصر به دلیل وجود امکانات رسانه ای گسترده است که به مدد جهانی شدن^۱ صورت گرفته است. از این جهت مهم ترین ویژگی جهانی شدن که از قضا یکی از محورهای بحث در پژوهش حاضر را شامل می‌شود، انقلاب فناوری است. این انقلاب، همگرایی فزاینده رهیافت ها و فناوری های خاص است که در درون یک سیستم نوین و منسجم قرار می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲). اینک چنین است که رسانه، تشکیل دهنده و ایجادکننده شبکه فرهنگ به شمار می‌آید. یعنی مبدأ و سرچشمه ای است که اینک اغلب افراد از طریق آن بیشترین آگاهی ها، تأثیرات، ارزش ها و نیز معنای زندگی خود را اخذ می‌کنند. در تحول قدرتی که رخ داده است، سایر نهادهای اجتماعی، رغبتی به استفاده از رسانه برای تبلیغ

واقعیت خود ندارند، بلکه از طریق رسانه در جایگاه‌های مختلف فرهنگی قرار گرفته‌اند و اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند (هورسفیلد، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

گروه‌های تروریستی برخلاف اهداف اولیه‌ای که برای رسانه‌ها تصور می‌شد، بهره‌های گسترده‌ای از رسانه‌ها می‌برند. به طوری که با تکیه بر رسانه‌ها به جذب نیرو و آموزش آنان در سراسر جهان می‌پردازند. این موضوع یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تروریسم پسامدرن یا نوین به شمار می‌رود. بنابراین اجتماعات اقلیت که به زعم خود تحت فشار اکثریت واقع شده و در اقلیت قرار گرفته‌اند تلاش می‌نمایند که از سکوت خارج شده و از طریق ایجاد تقابل رسانه‌ای خود به گروه غالب تبدیل شوند و تلاش می‌نمایند از طریق ایجاد حلقه‌های رسانه‌ای خود به ترویج جهان‌بینی ارزش‌ها و تفکرات خودساخته در تقابل با شبکه‌های مسلط بپردازند و در نتیجه الگوهای رفتاری موردنظر خود را برای ایجاد معیار غالب شکل دهند (عراقچی و جوزانی کهن، ۱۳۹۵: ۱۴۷). مهم‌ترین نمونه‌های تروریسم نوین، داعش، القاعده و بوکوحرام در نیجریه هستند که با بر عهده گرفتن عملیات در نقاط گوناگون جهان، بر دامنه تهدید جمعی خود بر علیه مخالفان می‌افزایند. رسانه‌های ارتباطی مهم‌ترین ابزار آنان برای پیوند با طرفداران خود است.

تروریسم نوین تروریسمی متکی به رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی است. چه این که امروزه همگام با تحول و انقلاب در فناوری، جنگ‌ها دچار تغییر و تحول شده‌اند و دیگر صرف اعتماد بر روش‌های سنتی جنگی نمی‌تواند پیروزی در جنگ را تضمین نماید. لذا نسل جدید نبردها، جنگ‌های فناوری محور با هدف کاهش خسارات غیرضروری و افزایش دقت و سرعت عملیات‌ها می‌باشد. در کنار این موارد، افراد، اشخاص و یا بازیگران غیردولتی دیگر در برخی مواقع با استفاده از امکاناتی که اینترنت و یا محیط سایبر در اختیار آن‌ها قرار داده، بدون این که گلوله‌ای شلیک شود اعمالی را مرتکب می‌شوند که خسارات ناشی از آن بسی بالاتر از خسارات برخی جنگ‌های مسلحانه است. در جنگ سایبر به سازوبرگ‌های نظامی و ارتش‌های بزرگ نیاز نیست. در این جنگ چه بسا افراد اندکی با برخورداری از مهارت‌های بالا بتوانند به زیرساخت‌های حیاتی یک کشور خسارات زیادی وارد کنند. خساراتی که جبران آن‌ها از خسارت‌های ناشی از موشک و بمب به مراتب مشکل‌تر باشد (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۲).

عمده تحولات به وجود آمده در تروریسم پسامدرن را می‌توان چنین برشمرد: گسترش تکنولوژی، انفجار جمعیت در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً خاورمیانه، گسترش شکاف میان کشورهای صنعتی و توسعه نیافته، بحران‌های زیست محیطی، فروپاشی نظام دوقطبی، نامتقارن شدن صحنه نبرد. مهم‌تر آن که در تروریسم پسامدرن با پدیده تصرف یا در دست گرفتن بخشی از سرزمین یک کشور روبه روهستیم که در نمونه‌های دیگر تروریسم دیده نمی‌شود (آل غفور و صادقیان، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

چنین به نظر می‌رسد که تروریسم جدید چون هویت محور است نه منفعت محور و از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن سود می‌برد، این امکان را دارد که ساختی تک‌پایه داشته باشد و در واقع، غیرسرزمینی باشد. به همین دلیل، نفوذپذیری کمتری دارد و بسیار دشوارتر از گونه‌های پیشین می‌توان آن را متلاشی کرد. دلیل این امر آن است که شاخه‌های سیاسی به واسطه انضباط کمتر و انعطاف پذیری تشکیلاتی نسبت به شاخه عملیاتی، همواره در معرض نفوذ و اختلاف افکنی قرارداشتند (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۶۲). شواهد نشان می‌دهد که با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی، استقلال گروه‌های تروریستی از دولت‌های حمایت‌گر رو به کاهش است و گروه‌های تروریستی برای خود هویتی مستقل شکل داده‌اند. ساختار تشکیلاتی گروه‌های تروریستی چنان با رسانه‌ها، فضای مجازی و سایبری گروه خورده است که می‌توان آن را تروریسم سایبری نیز نام نهاد. این رویکرد نیز ویژگی‌های خاصی به تروریسم نوین می‌بخشد.

در این باره می‌توان گفت سایبر تروریسم را می‌توان از راه دور هدایت کرد، ویژگی‌ای که جذابیت زیادی برای تروریست‌ها دارد. سایبر تروریسم، آموزش فیزیکی اندکی را می‌طلبد، سرمایه‌گذاری روانی کمتر و خطر مرگ کمتری دارد و امکان عضوگیری و کنترل اعضا را برای سازمان‌های تروریستی فراهم می‌کند. سایبر تروریسم توانایی زیادی در جذب مردم دارد، از این رو، پوشش خبری و رسانه‌ای بیشتری را ایجاد می‌کند و این همان چیزی است که تروریست‌ها به دنبال آن هستند. روش‌های تروریستی کلاسیک، اهداف تروریست‌ها را برآورده نمی‌کنند (پورنقدی و بختیاری، ۱۳۹۲: ۷-۶). به هر حال، تروریسم مفهومی است که در دنیای امروز همانند بسیاری از دیگر مفاهیم و پدیده‌ها همچون هویت، رسانه، اطلاعات، جنگ و جنبش، جهانی شده و از این پس، محدودیت‌های بین‌المللی و حدود مترتب بر آن همچون سرزمین، مرز و دولت یا قلمرو ملی را نمی‌پذیرد. به این معنا، تحول تروریسم در مرحله متأخر آن یا تروریسم نوین را می‌توان محصول در کنار هم قرارگیری مفاهیمی چون تروریسم شبکه‌ای، تروریسم پسامدرن، تروریسم انتحاری، سایبر تروریسم، تروریسم هسته‌ای و بیوتروریسم دانست و آن را به تروریسم جهانی شده یا تروریسم جهانی تعبیر نمود که می‌تواند در صورت دستیابی به نهایت ظرفیت خود، به ویژه در ربع نخست قرن بیست و یکم، به ابرتروریسم یا تروریسم دهشت‌بار تبدیل شود (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۶۷). در مجموع ویژگی‌های ذکرشده باعث می‌شوند تا بررسی ابعاد حقوقی تروریسم نیز با دشواری‌هایی روبرو شود. به طوری که تفکیک حامیان، گروه تروریستی، نحوه کمک رسانی و چگونگی اجرای آن از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه با چالش‌های فراوانی روبرو می‌شود. بنابراین تروریسم نوین (پسامدرن) به دلیل ابعاد جهانی و پیچیده‌اش، یکی از دشواری‌های پیش‌روی حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود.

تروریسم نوین و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه، هرگونه فعالیتی که با حمایت گروه و یا کشور خاصی به خشونت علیه غیرنظامیان و یا مردم عادی منجر شود، در زمره فعالیت های غیرجنگی و نامتعارف محسوب می شود که مستوجب مجازات است. بنابراین فعالیت های تروریستی که مردم بی گناه را هدف حملات خود قرار می دهند، در این زمره جای می گیرند. مطابق این رویکرد، حقوق قابل اجرا در مبارزه با تروریسم، قواعد حقوق بشر و حقوق کیفری بوده و کشورها باید در این مبارزه به حقوق تضمین شده در قوانین ملی و حقوق بین الملل بشر ملتزم باشند و بدون توجه به انگیزه های سیاسی افراد متهم به اقدامات تروریستی، اصول و موازینی همچون دادرسی عادلانه، احترام به حیثیت و کرامت انسانی به عنوان حداقل معیارهای رفتار انسانی را رعایت نمایند (حبیب زاده، ۱۳۸۶: ۶۷). بنابراین فعالیت های تروریستی به دلیل رعایت نکردن اصول حاکم بر جنگ و صلح و در روابط بین الملل، نیازمند دادرسی عادلانه در همان کشور و یا منطقه هستند. به طور کلی، معاهدات متعددی درباره جنبه های خاص تروریسم تهیه و تصویب شده است که چند مورد مهم آن ذکر می شود:

۱. کنوانسیون مربوط به جرائم و برخی اعمال دیگر ارتكایی در هوآپیما، ۱۹۶۳ میلادی؛
۲. کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ راجع به مبارزه با ضبط و توقیف غیرقانونی هوآپیما؛
۳. کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ راجع به جلوگیری از اقدامات غیرقانونی علیه امنیت هوآپیمایی کشوری؛
۴. کنوانسیون ۱۹۷۳ مربوط به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی، از جمله مأموران دیپلماتیک؛
۵. کنوانسیون ۱۹۷۹ درباره ممنوعیت گروگان گیری؛
۶. کنوانسیون ۱۹۸۸ جهت جلوگیری از اقدامات غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی؛
۷. کنوانسیون ۱۹۹۷ مربوط به جلوگیری از سوءقصد های تروریستی با استفاده از مواد منفجره؛
۸. کنوانسیون بین المللی ۱۹۹۹ در مورد جلوگیری از تأمین منابع مالی فعالیت های تروریستی (حبیب زاده، ۱۳۸۶: ۶۵).

در هر کدام از لویح و کنوانسیون های مزبور، عمل تروریستی به عنوان عاملی برای گسترش خشونت معرفی شده که مستوجب دادرسی است. ضمن اینکه در این میان، تکرار حمایت از گروه های تروریستی توسط کشورهای مختلف نیز در زمره فعالیت های غیربشردوستانه محسوب می شوند. به طوری که ارائه کمک برای نقض حقوق بین الملل بشردوستانه، در عمل، معمولاً به صورت کمک تسلیحاتی صورت می گیرد، تا جایی که استفاده از سلاح های مزبور منع نشده است. کشور ارائه کننده تسلیحات، مسؤول نقض های حقوق بشر دوستانه ای که با استفاده از این تسلیحات توسط کشور دریافت کننده صورت می گیرد، نیست. ولی به هر حال، همین که دولت ارائه کننده تسلیحات بداند که کشور دریافت کننده با استفاده از آن سلاح ها به طور سیستماتیک مرتکب نقض حقوق بین الملل بشردوستانه می شود، باید انتقال و ارائه سلاح را به کشور دریافت کننده متوقف کند؛ حتی اگر

آن سلاح‌ها قابلیت استفاده مشروع و قانونی را نیز داشته باشند. در واقع همین که کشور ارائه‌کننده سلاح از ارتکاب این نقض‌ها مطلع شود، مطمئناً کمک‌های بعدی به منظور تسهیل ارتکاب نقض‌های بعدی صورت می‌گیرد (شمسایی و سلیمانی ترکمانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). به عنوان مثال، حمایت‌های عربستان سعودی از گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، داعش و یا سایر گروه‌های تروریستی که در منطقه می‌جنگند، نیازمند بررسی و مجازات کشور حامی (عربستان سعودی) است.

تروریسم نوین از یک جهت دیگر چالشی برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود. به این دلیل که گروه‌های سیاسی و نظامی متعددی در یک حادثه تروریستی پدیدار می‌شوند که البته به دلیل نبود مستندات درباره حمایت دولت‌ها از گروه‌های تروریستی مکتوم می‌ماند. به عنوان مثال، مقامات عربستان سعودی همواره حمایت‌های خود را از گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه انکار کرده‌اند. با این حال، طبق ماده ۷ طرح پیش‌نویس، اگر رفتار اعضای نیروهای مسلح در سمت و صلاحیت رسمی انجام یافته باشد (حتی اگر تجاوز از صلاحیت و دستورات صادر شده باشد)، قابل انتساب به دولت است. از سوی دیگر، ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، عنوان می‌دارند که طرف‌های مخاصمه، مسؤول همه اقدامات صورت‌گرفته از سوی اعضای نیروهای مسلح‌اش است. این دیدگاه، به وسیله رویه قضایی نیز مورد حمایت است (همان: ۱۸۵). بنابراین برای بررسی فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در ابعاد پیچیده، نیازمند شناسایی عناصر دخیل در آن فعالیت‌ها هستیم. هرچند ممکن است فرد و یا گروه تروریستی از یک کشور خاص باشند، در آن کشور زندگی کنند، اما به هیچ عنوان مورد حمایت آن کشور نباشند. بدین ترتیب بررسی مجرمان و عاملان فعالیت‌های تروریستی کنونی نیازمند بررسی عمیق‌تر و گسترده‌تری است.

ابهام در مفهوم تروریسم و اینکه هر عمل خشونت‌باری که غیرنظامیان را مورد حمله قرار دهد در زمره فعالیت‌های تروریستی محسوب می‌شود، باعث شده تا ابعاد حقوقی مقابله با تروریسم همچنان مبهم باقی بماند. به علاوه، تفاسیر دولت‌ها درباره تروریسم دانستن یا ندانستن کشوری بر ابعاد مقابله با تروریسم افزوده است. به عنوان مثال، در مواردی نیز بعضی از دولت‌ها، یک دولت خارجی را به حمایت از تروریسم متهم و علیه آن به حملات نظامی مبادرت ورزیده‌اند. آمریکا و اسرائیل با همین بهانه به چندین حمله نظامی موردی یا گسترده بر علیه یک دولت دست زده‌اند: حمله اسرائیل به مقر «ساف» در تونس در سال ۱۹۸۲، حمله آمریکا به لیبی در سال ۱۹۸۶ و انهدام یک کارخانه داروسازی در سودان در سال ۱۹۸۸، حملات آمریکا به پایگاه‌های تروریست‌ها در افغانستان در سال ۱۹۸۸ و انهدام یک پایگاه در سوریه در سال ۲۰۰۳ و ... در صورتی که دو دولت طرف مخاصمه باشند، به موجب ماده ۲ کنوانسیون‌های ژنو، حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اجرا خواهد بود و تداوم یا عدم تداوم آن چندان اهمیتی نخواهد داشت. بنابراین در صورتی که مبارزه با تروریسم

در حد مخاصمه مسلحانه بوده و حقوق بشردوستانه قابل اجرا باشد، ممنوعیت «اقدامات تروریستی» حتی در جریان عملیات نظامی از اصول مسلم حقوق بشردوستانه است (حبیب زاده، ۱۳۸۶: ۷۳). ماهیت قواعد بشردوستانه به گونه‌ای است که تضمین طرف‌های درگیر در یک موضوع را می‌طلبد. این موضوع به دلیل پیچیده بودن طرف‌های درگیر در تروریسم نوین بسیار دشوار است. ضمن اینکه پراکنده بودن گروه‌های تروریستی در کشورهای مختلف جهان، نیازمند همکاری‌های گسترده‌تری برای مقابله با این پدیده است. اما از طرفی، قواعد بشردوستانه در وهله اول نیازمند شناسایی کامل طرف‌های درگیر است که تقریباً غیرممکن است. از این جهت، تعهد به تضمین اجرا در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و بسنده نمودن به صرف تعهد به اجرا در این حقوق را بیش از هر چیز باید ناشی از ماهیت آمرانه و تخلف‌ناپذیر قواعد آن پنداشت. چنین ماهیتی ایجاب می‌کند که قواعد مزبور در هر شرایطی مراعات شود و به سبب جایگاه بنیادین این قواعد در سلسله‌مراتب نظام حقوق بین‌الملل، هر عضوی از این جامعه در پیگیری عدم اجرای آن، محق و ذی‌نفع تلقی شود (موسوی میرکلانی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

چالش دیگری که تروریسم نوین برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد کرده است، اتخاذ رویکرد تلافی‌جویانه در عملیات تروریستی و اشاعه آن توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در سطوح مختلف است به طوری که ابعاد خشونت نه تنها در هنگام عملیات، بلکه پس از آن بیشتر نمایان می‌شود. با این حال حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضوابط خاصی را برای این کار در نظر گرفته است که البته اجرای آن بسیار دشوار است. از جمله نتایج ویژگی آمرانه و جهانشمول بودن قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، عدم مشروعیت هرگونه تقابل، انتقام و تلافی در این حقوق است. به بیان دیگر، هیچ‌یک از اجرا و تضمین اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه مبتنی بر تقابل نیست. رویه دولت‌ها این قاعده را به مثابه قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد (همان: ۱۵۹).

یکی دیگر از ویژگی‌های تروریسم نوین، استفاده از رعب و وحشت در سطوح جهانی و بین‌المللی و نمایش اسارت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی است. به عنوان مثال، تصاویر سر بریده شدن افراد اسیر شده توسط داعش کمتر با معیارهای حقوقی بین‌الملل بشردوستانه قابل سنجش است. ضمن اینکه تحول منحصر به فرد در تولید فیلم‌های سر بریدن و کشتن قربانیان، موجب شد شمار این فیلم‌های مستند و گزارش‌های تصویری مرتبط با آن‌ها به سرعت افزایش یابد (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۹). از این جهت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیازمند بازنگری‌های اساسی است. به عنوان مثال، فیلم قتل خبرنگاران توسط داعش یکی از نمونه‌ها محسوب می‌شود. البته قوانین حاکم بر رفتار اسیران جنگی یکی از جنبه‌های بارز حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی است که نسبت به دیگر مقررات مربوط به مخاصمات قدرت اجرایی بیشتری دارد و در مقررات کنوانسیون‌های

چهارگانه ژنو به آن پرداخته شده است (رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). اما این قانون نیازمند جامعیت بیشتری است تا از قبل آن بتوان به برخوردهای حقوقی بین المللی بر علیه گروه های تروریستی نوین دست یافت. حقوق بین الملل بشردوستانه نیازمند توجه جدی به فضای مجازی و خشونت های ناشی از آن است.

مهم ترین چالش تروریسم نوین برای حقوق بین الملل بشردوستانه این است که در اهداف تروریستی خود میان نظامیان و غیرنظامیان تفکیکی قائل نمی شود. به عنوان مثال کشتار مردم عادی و مراجعه کننده به مجلس در حادثه تروریستی بهارستان در تهران نشان می دهد که تروریسم نوین میان مردم عادی و دیگران تفکیکی قائل نمی شود. این موضوع نیز به نوبه خود چالشی برای حقوق بین الملل بشردوستانه محسوب می شود. چه این که هدف اصلی حقوق بین الملل بشردوستانه این است که طرفین خصمه را ملزم نماید تا بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قائل شود. چنین هدفی مورد قبول همه نظام های حقوقی می باشد. حقوق بشردوستانه موقعی به این هدف خود نائل می شود که در عمل نیز مورد توجه همه طرف های خصمه قرار گیرد (همان: ۱۶۴). از طرفی، ماهیت سیال تروریسم نوین و گسترش یافتن آن در میان کشورهای گوناگون عملاً باعث می شود تا حقوق بین الملل بشردوستانه نتواند اقدامات مقتضی را در این زمینه انجام دهد. هنگامی که کلید آغاز عملیات از صحرای عراق آغاز می شود و یک حادثه تروریستی در لندن اتفاق می افتد، به دشواری می توان طرف های دیگر را شناسایی و به پذیرش قوانین ملزم ساخت. ضمن اینکه بر عهده گرفتن هرگونه عملیات خرابکارانه و کشتار در سطح جهان توسط گروه های تروریستی باعث شده تا مسأله «طرف های درگیر» همچنان یکی از چالش های مهم حقوق بین الملل بشردوستانه در زمینه مقابله با تروریسم نوین تلقی شود.

مثال بارز این گونه فعالیت های تروریستی در منطقه خاورمیانه است که با رشد وسایل ارتباطی با سرعت حیرت آوری در حال گسترش است و از این جهت، نیازمند بازنگری در قواعد و قوانین حقوق بین الملل بشردوستانه در زمینه کشتار غیرنظامیان توسط این گروه ها هستیم. ضمن اینکه، ماهیت تروریسم جدید به گونه ای است که دستیابی به نتایج مطلوب در مبارزه با آن نیازمند کمک و همکاری متقابل ملتها و دولت های منطقه خاورمیانه و جامعه بین المللی است. در حال حاضر چالش های اصلی ناشی از تضاد برداشتها در برخورد با پدیده تروریسم از یک سو و عدم فهم صحیح از خواسته ها و انتظارات متقابل میان جوامع منطقه خاورمیانه و غرب در استفاده از ابزارهای مبارزه با تروریسم از سوی دیگر می باشد (برزگر، ۱۳۸۶: ۷۲). بنابراین برای مقابله با گروه های تروریستی نوین اولاً، شناسایی دقیق گروه ها و دولت های درگیر در فعالیت های تروریستی امری ضروری است و از سوی دیگر، نیازمند تشدید قوانین بازدارنده و مجازات گر بر علیه آنان و همچنین دولت های حامی

آنان هستیم. ضمن اینکه ارائه یک تعریف جامع و پذیرفته شده درباره تروریسم و ابعاد آن، می‌تواند زمینه‌ها را برای شناسایی با گروه‌های تروریستی فراهم‌تر سازد.

نتیجه گیری

تروریسم نوین برخلاف تروریسم سنتی دارای ابعاد و مشخصه های پیچیده و گسترده ای است. از این جهت که شدیداً متکی بر رسانه های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی است و در ابعاد مختلف اعم از آموزش، عضوگیری، راه اندازی عملیات، نشر عقاید و فعالیت‌های تروریستی از رسانه‌های ارتباطی بهره می‌جویند. همین امر ابعاد حقوقی مقابله با این گروه‌ها را دشوار ساخته است. به گونه‌ای که شناسایی تمام و کمال یک گروه تروریستی از ابتدا تا انتها امری غیرممکن است. ضمن اینکه دولت‌های درگیر در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی تفاسیر خاص خود را از تروریسم ارائه می‌دهند و از این‌رو به طور ضمنی از برخی اعمال گروه‌های تروریستی به نفع خود استفاده می‌کنند. همین موضوع باعث می‌شود تا ابعاد بین‌المللی و حقوقی مقابله با گروه‌های مزبور تحت تأثیر نفوذ دولت‌ها در روابط بین‌الملل قرار گیرد و دولت‌های که نفوذ بیشتری در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دارند، موضوع تروریسم را به دستاویزی برای پیگیری منافع خود بدل سازند.

حقوق بین الملل بشردوستانه نیازمند ابزارها و سازوکارهایی است که در چارچوب آن بتواند از حقوق آسیب دیدگان جنگی، خسارت دیدگان ناشی از خشونت‌های شکل گرفته توسط دولت‌ها و گروه‌های نظامی و غیرنظامی دفاع کند و به کمک آنان بشتابد و از طرفی به مقابله با خشونت‌های تروریستی در سطح جهان بپردازد. این وظایف و تعهدات در وهله اول دشوار می‌نماید. از آن جهت که رشد همه‌جانبه خشونت در سطح جهان و مخصوصاً مناطق منازعه برانگیزی نظیر خاورمیانه باعث شده تا ابعاد جدیدی به خشونت علیه غیرنظامیان اضافه شود که همه روزه بر دامنه آن افزوده می‌شود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای حمایت از آسیب‌دیدگان نیازمند ابزارهای تنبیهی و حقوقی فوق العاده است که این کمتر حاصل می‌شود. به این دلیل که شناسایی طرف‌های درگیر در مخاصمات همواره حلقه مفقوده منازعات بوده است. تروریسم نوین نیز به دلیل متکی بودن بر رسانه‌ها، سیالیت در فعالیت‌ها و عملیات، درگیر ساختن دولت‌ها و گروه‌های متنوع و متعدد در فعالیت علیه غیرنظامیان، بهره‌گیری از حمایت‌های پنهانی دولت‌ها و ... اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را با چالش روبرو ساخته است. به طوری که تروریسم و خشونت همه روزه در حال گسترش است و ابزار مجازات و همچنین کمک‌رسانی توسط نهادهای متولی حقوق بین‌الملل بشردوستانه با چالش‌هایی گسترده مواجه است. از این جهت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه اولاً، نیازمند بازنگری در قوانین و قواعد پیشین خود است تا از این طریق بتواند به شناسایی گروه‌های تروریستی نوین بپردازد و دوماً

با شناسایی طرف های درگیر، مخصوصاً نقش حمایتی دولت ها، بر دامنه کمک های بشردوستانه خود بیفزاید.



منابع

- ایمانی و دیگران، همت (۱۳۹۷)، رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی، تابستان ۹۷، صص ۱۱۴-۸۷.
- آل‌غفور و صادقان، محسن و رضا (۱۳۹۴)، مدرنیته، جهانی شدن و فراگیر شدن تروریسم پسامدرن، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۳، بهار ۹۴، صص ۱۷۳-۱۳۹.
- باقرزاده و رنجبریان، رضوان و امیرحسین (۱۳۹۴)، بنیان اجرای حقوق بشردوستانه: تعهد دولت‌ها به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۶، بهار ۹۴، صص ۱۵۵-۱۲۵.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، جایگاه تروریسم جدید در مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۱، ۴، بهار ۸۶، صص ۷۴-۵۷.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵)، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۸۵، شماره مسلسل ۲۴، صص ۸۵۷-۸۲۱.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، تحول تروریسم در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم، زمستان ۸۸، شماره مسلسل ۴۶، صص ۱۷۰-۱۴۵.
- پورنقندی و بختیاری، بهزاد و ارشد (۱۳۹۲)، تروریسم سایبری و اهمیت آن در برهم زدن امنیت بین‌الملل، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۸-۱.
- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مبارزه با تروریسم، دو فصلنامه معارف اسلامی و حقوق، سال هشتم، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۸۶.
- رحیمی (روشن)، حسن (۱۳۹۵)، جایگاه حقوق بشر از منظر امام خمینی (ره) در دوران دفاع مقدس، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸، بهار ۹۵، صص ۱۷۵-۱۵۷.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۵)، ریشه‌یابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش تروریسم در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲، پاییز ۹۵، صص ۱۶۰-۱۳۹.
- شمسایی و سلیمی ترکمانی، محمد و حجت (۱۳۸۷)، تأملی بر مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، ناشی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، فصلنامه فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۸۷، صص ۲۰۶-۱۷۹.
- عباسی و مرادی، مجید و حسین (۱۳۹۴)، جنگ سایبر از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و یک، بهار ۹۴، صص ۸۱-۳۷.
- عراقچی و جوزانی کهن، سیدعباس و شاهین (۱۳۹۵)، بهره‌برداری داعش از فضای مجازی، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره اول، بهار ۹۶، صص ۱۷۵-۱۴۱.

- عطارزاده، مجتبی (۱۳۹۶)، رسانه، آوردگاه قدرت هوشمند داعش، نشریه فرهنگ و رسانه، سال ششم، بهار ۹۶، صص ۱۳۹-۱۱۷.
- فیرحی و ظهیری، داوود و صمد (۱۳۸۷)، تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، پاییز ۸۷، شماره ۷، دوره ۳۸، صص ۱۶۵-۱۴۵.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراسته علی پایا، نشر طرح نو.
- موسوی میرکلائی، طه (۱۳۹۲)، راهکارها و ضمانت اجراهای حقوق بین الملل بشردوستانه با تأکید بر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳، پاییز ۹۲، صص ۱۹۷-۱۵۱.
- نیری و متولی، بیژن و علیرضا (۱۳۹۰)، نقض حقوق بشردوستانه در جنگ سی‌وسه روزه بر مبنای مقررات بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۱۵، صص ۲۱۰-۱۸۷.
- هورسفیلد، پیتر جی (۱۳۸۹)، تحول دین در عصر همگرایی رسانه‌ای، در بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، نوشته استوارت هور و نات لاندبای، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، چاپ سوم، تهران، نشر سروش.

